

۱۰ اکتبر

روز اعتراض جهانی علیه رژیم اسلامی اعدام!

سازمان آزادی زن

ستون اول،



آذر ماجدی

در حاشیه اخبار،



صفحه ۴

رابطه رانندگی و بیماری
تخمدان!

شهلا نوری

اعدام،

عدالت یا انتقام؟

گفتگو با آذر ماجدی
در مورد مجازات اعدام

خاوران: در حکومت مورد نظر شما مجازات چگونه تعریف میشود و به قصد دستیابی به چه هدفی دنبال میشود؟

آذر ماجدی: بطور عام میتوان گفت که سیستم های مجازاتی بر دو فلسفه بنا شده اند: انتقام و قصاص یا آموزش و بازسازی و یا تلفیقی از این دو. من شخصا اعتقادی به انتقام و قصاص و مینا قرار دادن این فلسفه در سیستم قضایی- مجازاتی ندارم. نه تنها این فلسفه را انسانی نمیدانم بلکه پیروی از آن را وارد شدن در یک دور باطل انتقام و انتقام کشی می دانم. عده ای بر این عقیده اند که با انتقام گیری و یا قصاص مجرم، جامعه متنبه میشود. جامعه ممکن است مرعوب شود ولی متنبه نخواهد شد. جامعه مرعوب شده نیز جامعه ای انسانی نیست. ارباب و ترس جنایت را کاهش نمیدهد، بلکه عملا آنرا افزایش میدهد. راه مقابله و بقا در مقابل ارباب، یا تسلیم است و یا دستیابی بقدرتی که ارباب را با ارباب متقابل جواب دهد.

اگر قصد متنبه کردن جامعه به معنای آموزش آن است، پس باید از راه های دیگری وارد شد. باید انسانیت و انسان گرایی را رشد داد. باید مجرم را آموزش داد. ممکن است در برخی موارد تا آنجا که به یک مجرم معین برمیگردد، دیگر به اصطلاح کار از کار گذشته

صفحه ۲



صفحه ۵

برای الغای "مجازات" اعدام
تلاش کنیم!

به مناسبت 10 اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام

سیاوش دانشور

تظاهرات علیه اعدام

یرن توریت Göteborg, Järntorget

پنجشنبه 5 اکتبر 2013 ساعت 17 الی 18

سازمان آزادی زن - واحد گوتنبرگ

مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!

اعدام، عدالت یا انتقام؟

گفتگو با آنر ماجدی ...

بازگرداند. لذا کشتن قاتل نیز نیستی را به هستی باز نمیگرداند. تنها شکلی که کشتن قاتل ممکن است عدالت خواهی و یا حق طلبی معنا دهد که انتقام مورد نظر باشد. قطعا قاتل باید محاکمه و مجازات شود؛ از این طریق شاید عدالت خواهی قربانیان تا حدودی تامین شود. مبارزه ریشه ای با قتل و جنایت، بنظر من بهترین شیوه ی تامین عدالت است.

خاوران: چه عامل و یا عواملی موجب میشود که کشتن انسان برای بعضی بصورت کسب و کار درآید و امری عادی شود؟
آنر ماجدی: دلایل پیچیده اجتماعی، روحی و روانی وجود دارد. بطور عام و کلی مسائل اجتماعی موجب قتل و جنایت میشود. اگر دلایل قتل هایی که انجام میگردد را بررسی کنید، به مسائلی چون عوامل اقتصادی، عقب ماندگی های اخلاقی و فرهنگی، تعصبات و غیره میرسید. میتوان بروشنی دید که با زیر و رو کردن جامعه و ساختن جامعه ای که در آن آزادی و برابری هست، اختلاف طبقاتی و نابرابری اجتماعی و سیاسی وجود ندارد، انسان محور اصلی و نقطه عزیمت اصلی جامعه است، نفع پرستی جامعه را بحرکت در نمیآورد، تعصبات جنسی و نژادی از میان رفته است، رقابت و حسادت تا میزان زیادی کاهش یافته است، قتل و جنایت باید موضوعیت خود را از دست بدهد؛ و ما فقط با موارد بیماری های روانی روبرو باشیم که انسان را به سوی جنایت سوق میدهد. هر چند که چنین مواردی را هم میتوان تصور کرد که تا میزان قابل توجهی کاهش پیدا کند. در جامعه سرمایه داری کنونی که نفع طلبی بر جامعه حکم میراند، فقر، فلاکت، نابرابری و تبعیض سرنوشته اکثریت بزرگ مردم است؛ تبعیضات و تعصبات جنسی، نژادی و ملی در جامعه حاکم است. انسان از خود بیگانه است، منزوی است، تنهاست، وجود جنایت و جنایتکاران بیمار امری عادی است. باید جامعه را از اساس زیر و رو کرد و آنگاه جنایت بنظر من اگر کاملاً ناپدید نشود، بمیزان بسیار زیادی کاهش می یابد.

خاوران: عده ای بر این عقیده اند که مجازات اعدام موجب کاهش قتل و جنایت در جامعه می شود. شما در این زمینه چه فکر میکنید؟

آنر ماجدی: من با این نظر مخالفم. آمریکا بنظر من مثال بسیار خوبی است. آمریکا را با اروپا مقایسه کنید. یا حتی در خود آمریکا ایالاتی که در آن مجازات اعدام جاری میشود با ایالاتی که در آن مجازات اعدام لغو شده را مقایسه کنید، متوجه میشوید که این نظر صحت ندارد و افسانه ای بیش نیست. اتفاقاً در کشورهایی که میزان اعدام در آن بالا است جنایت هم رقم بالایی دارد. آمریکا بنظر من بهترین نمونه رد چنین ادعایی است.

خاوران: حکومت مورد نظر شما با موجوداتی چون خامنه ای، رفسنجانی، عسگر اولادی، بادامچیان، نقدی، فلاحیان، شاهرودی، مرتضوی و ده ها جنایتکار

صفحه ۳

باشند و امیدی به تغییر او وجود نداشته باشد، ولی برخورد انسانی با چنین مجرمی باعث اعتلای جامعه، اخلاقیات و ارزشها و فرهنگ حاکم خواهد شد.

بنظر من قطعا کاربست فلسفه انتقام و قصاص در سیستم قضایی - جنایی یک جامعه انسانی مردود است. اصل را باید بر آموزش و بازسازی قرار داد.

خاوران: آیا باید یک قاتل حرفه ای را که کشتن کسب و کارش بوده اعدام کرد؟ اگر پاسخ مثبت و یا منفی است دلایلتان چیست؟

آنر ماجدی: من کلا و اصولاً با اعدام مخالفم. حالا در مورد قاتل حرفه ای و به اصطلاح قاتل «سریال» باشد، یا قاتلی که یکبار به قتل دست زده است، فرقی نمیکند. اعدام بنظر من قتل عمد و از پیش برنامه ریزی شده توسط دولت است. قتلی که در عین خونسردی و با طرح قبلی انجام میشود. مجازات اعدام جامعه را به عقب میکشاند. جامعه را در عصر قرون وسطی نگاه میدارد. اعدام باعث افزایش خشونت در جامعه میشود. ممکن است جامعه را مرعوب کند ولی این ارباب نه تنها باعث کاهش قتل و جنایت نمیشود، بلکه موجب افزایش آن است.

خاوران: با کشتن یا نکشتن قاتل به جامعه چه پیامی داده می شود؟

آنر ماجدی: بنظر من با انجام مجازات اعدام قبح قتل و کشتن ریخته میشود. ارزش حیات و جان انسان پایین میآید. اگر خشونت از جانب دولت درست است و تقدیس میشود، پس اشکالی ندارد. این یک پیام صریح است. ممکن است اینگونه استدلال شود که با اعدام، یک انسان بد و جنایتکار را میکشند، پس باید تاثیر معکوس داشته باشد، ولی در عمل چنین نیست. اعدام، یعنی قتل برنامه ریزی شده توسط دولت، آدمکشی را امری راحت تر و قابل قبول تر میکند. به جوامعی که در آن مجازات اعدام قانونی است نگاهی بیاندازید و آنها را مقایسه کنید با جوامعی که در آن مجازات اعدام لغو شده است، بنظر من سریع میتوان مشاهده کرد که در جوامع دسته ی دوم ارزش انسان و حیات بطور کلی بالا تر است. حتی میزان جنایت هم کمتر است.

خاوران: با نکشتن قاتل حق انسان و یا انسان هایی که به دستور و یا به دست او کشته شده اند چه میشود؟

آنر ماجدی: من سوال شما را بمعنای عدالت خواهی قربانیان می فهمم. باید تکرار کنم که از نظر من عدالت با انتقام و قصاص تامین نمی شود. متأسفانه هیچ حرکتی نمیتواند حق قربانیان را اعاده کند. این دردناک است. و عمق تراژدی جنایت یا مرگ بطور کلی در همین جاست. نمیتوان آنچه را که از دست رفته است، بهیچ طریقی

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

۱۰ اکتبر

روز اعتراض جهانی علیه رژیم اسلامی اعدام!

۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) روز جهانی علیه مجازات اعدام است. بشریت دیر زمانی است که برای لغو مجازاتهای قرون وسطایی اعدام و سنگسار مبارزه میکند. اما هنوز در قرن بیست و یکم در بسیاری نقاط جهان، از آمریکا تا چین و ایران، بساط اعدام براه است. ۱۰ اکتبر روز جهانی لغو مجازات اعدام است. این روز را به روز مبارزه علیه رژیم اسلامی صد هزار اعدام بدل کنیم!

اعدام قتل عمد دولتی است. اعدام یک ابزار حکومتی استبدادی و طبقات حاکم برای به انقیاد در آوردن جامعه و خاموش کردن مردم معترض است. اعدام باید لغو شود. قدرتها و حکومتیهای مدافع اعدام و سنگسار باید سرنگون شوند. یک رکن تلاش ما برای برپایی نظامی آزاد، برابر، مرفه و انسانی، مبارزه قاطع برای برچیدن بساط شنیع اعدام و لغو مجازات اعدام و سنگسار است.

در ایران جان زندانیان سیاسی در خطر جدی قرار دارد. هر روز در زندانها تعدادی از انسانهای محروم و قربانی به قتل میرسند. آمار اعدام در یک ماه و اندی اخیر در دولت "اعتدال و امید" روحانی سیر صعودی یافته و هر روز در گوشه گوشه ایران اعدام میکنند. این اعدامها هدفش اینست که ضعف جمهوری اسلامی در مقابل غرب به تعرض مردم علیه حکومت تبدیل نشود. رژیم اسلامی حکومت قتل و جنایت است. این رژیم هزاران نفر را طی سه دهه بشکل سازمانیافته بقتل رسانده است: اعدامهای صحرایی سال ۵۸ در کردستان، اعدامهای بعد از خرداد ۶۰ و قتل عام زندانیان سیاسی در شهریور ۶۷ تنها نمونه های برجسته دستگاه آدمکشی اسلامی است. جمهوری اسلامی یک سمبل مجازات اعدام در جهان است. باید مبارزه برای لغو مجازات اعدام در جهان را به مبارزه ای همه جانبه علیه رژیم اسلامی در ایران پیوند زنیم.

سازمان آزادی زن از تمامی نیروهای آزادیخواه، انساندوست و پیشرو میخواهد که روز ۱۰ اکتبر را به روز مبارزه علیه رژیم جنایتکار اسلامی بدل کنند و در این روز متحدانه علیه مجازات اعدام و رژیم اسلامی به میدان بیایند. برای متوقف کردن ماشین اعدام و لغو احکام اعدام صادر شده بمیدان بیایند.

روز ۱۰ اکتبر باید جمهوری اسلامی را در پیشگاه افکار عمومی جهانی به محاکمه کشید. باید جهان یکصدا رژیم اسلامی را محکوم کند. بشریت آزادیخواه در قرن بیست و یکم نباید حکومتیهای اعدام و سنگسار را تحمل کند!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی، برابری!
سازمان آزادی زن

اعدام، عدالت یا انتقام؟

گفتگو با آذر ماجدی ...

ریز و درشت دیگر چه خواهد کرد؟ نظر شما چیست؟
آذر ماجدی: کلیه این جنایتکاران باید محاکمه شوند. محاکمه علنی. باید جرائم و جنایات آنها در دادگاه های علنی روایت شود. باید دنیا از کلیه جنایات آنها مطلع شود. باید بازماندگان قربانیان این جانین حضور یابند و شکایت شان را عنوان کنند و علیه آنها اقامه دعوی کنند. و این جانین باید مجازات شوند. ولی من حتی با اعدام این جانین نیز مخالفم.

خاوران: با اموال و خانواده جنایتکار مذکور چه باید کرد؟

آذر ماجدی: خانواده جنایتکاران باید بتوانند به زندگی عادی شان ادامه دهند. ما در دوران قبیله ای زندگی نمی کنیم و خانواده مجرمان و جنایتکاران باید در آرامش به زندگی عادی خود ادامه دهند. حتی در مواردی دولت باید از آنها در مقابل خشم و انتقام قربانیان و بازماندگان آنها حمایت کند. به آنها پوشش حمایتی بدهد. تا آنجا که به اموال برمیگردد، بنظر من به میزان اموال و به طریقی که ابتیاع شده بستگی دارد. اگر داریم راجع به میلیون ها دلاری که از طریق قاچاق و دزدی و آدمکشی بدست آمده صحبت میکنیم، باید قطعاً به نفع مردم مصادره شود. در مورد رهبران و کار بدستان جمهوری اسلامی باید قطعاً چنین کرد. ولی اگر اموال ناچیزی است که از طریق کار بدست آمده است نباید به آن دست زد. البته این نکات را من بشکل کلی و عمومی عنوان میکنم و حتماً سیستم قضایی باید تک تک موارد را با خصوصیات متفاوتشان بررسی کند و پاسخ گوید. *

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه: آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

اسلام ضد زن است!

در حاشیه اخبار،



رابطه رانندگی و بیماری تخمدان!

شهلا نوری

این زندانیان که تنها قرار بوده بسته ای را به دوست یا فردی در فرودگاه تحویل دهند، بدون امکان داشتن وکیل سالهاست در زندانهای مالزی بسر می برند. قاچاقچیان بزرگ که دست در دست سپاه پاسداران رژیم اسلامی دارند با ایجاد امکانات مالی و غیره خیلی سریع آزاد می شوند. اما دیگر زندانیان برای تأمین هزینه های خود به تن فروشی و ادار می شوند.

رژیم اسلامی نه تنها تأمین کننده مواد مخدر در کشور مالزی است بلکه در بسیاری از کارتهای صنعت قاچاق مواد مخدر و فروش زن و کودک در سراسر جهان سهم تعیین کننده ای دارد.

آنها با رواج اعتیاد در میان جوانان شرایط مساعدی برای غارت مالی جهت پیشبرد منافع اقتصادی و به تباهی کشیدن جوانان جهت ادامه حکومت سرمایه داری اسلامی خود نیاز دارند.*

زندانهای مخوف رژیم اسلامی صدهزار اعدام است. شهروندان ایرانی نه فقط در ایران بلکه در کشورهای دیگر نیز زیر تیغه اعدام همپالگی های رژیم اسلامی هستند.

جمهوری اسلامی و احکام اعدام در مالزی

دو شهروند ایرانی در کشور مالزی به جرم قاچاق مواد مخدر به اعدام محکوم شده اند. رسانه های مالزی نوشتند: این زن جوان که به دلیل حمل بیش از پنج کیلو گرم متافتامین در فرودگاه بین المللی کوالالامپور بازداشت شده بودند با گریه دادگاه را ترک کردند. دادگاه مالزی گفته این دو زن جوان مبنی بر اینکه آنها تنها با خود مواد غذایی همراه داشته اند را نپذیرفته است.

گفته می شود که بیش از ۴۰ نفر از ۳۰۰ شهروند ایرانی در زندانهای مالزی حکم اعدام دریافت کرده اند. بعضی از

عضو شورای عالی "علما" در عربستان سعودی گفته است: رانندگی به غیر از مواقع ضروری بر تخمدان زنان اثرات منفی می گذارد. این افاضات اسلامی شیخ صالح الحیدان، همزمان با بالا گرفتن اعتراضات اخیر به ممنوعیت رانندگی زنان انجام گرفته است.

اخیراً چندین سازمان فعال در زمینه حقوق زنان خواستار "نافرمانی مدنی" زنان شده اند تا حکومت را وادار کنند به زنان گواهی رانندگی داده شود. از قرار معلوم هرگز به ذهن معیوب این دایناسورهای اسلامی خطور نکرده بود که دسترسی به گواهینامه رانندگی حق همه شهروندان یک کشور است. تا چند سال پیش فرض این "علما" بر این بوده که زنان به خودی خود و به دلیل شهروند درجه دوم بودن هرگز چنین ادعایی نخواهند کرد. به همین دلیل راجع به رانندگی زنان هیچ تبصره ای به قانون اساسی وارد نکرده بودند. در غیر این صورت خیلی زودتر قانون اسلامی قرون وسطی عربستان را تغییر می دادند.

جنبش حقوق زن اما مصمم است در مقابل ارتجاع اسلامی و آپارتاید جنسی حاکم بر عربستان سعودی قد علم کند. نسیم تحولات و جنبش آزادیخواه در منطقه دارد در عربستان سعودی نیز رخنه می کند. مبارزه برای ایجاد یک جنبش قوی آزادیخواه و سکولار در کشوری مانند عربستان سعودی کاری است دشوار، اما امکان پذیر!

اعدام مخفیانه یک زن در گوهر دشت کرج!

روز چهارشنبه ۳ مهر ماه کبری کبیری پس از تحمل ۹ سال زندان همراه تعدادی دیگر به دار آویخته شد. بر اساس آمار موجود بیش از ۱۰ زن جوان که اکثر آنها زیر ۳۰ سال دارند در زندان قرچک ورامین در انتظار اجرای حکم جنایتکارانه اعدام بسر می برند. این آمار فقط مربوط به یکی

قتل عمد دولتی و واقعیت نظام کریه اسلامی!

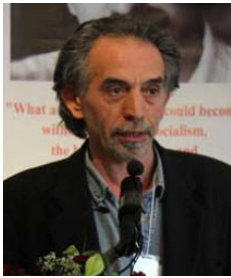
10 اکتبر، 18 مهر روز جهانی علیه مجازات اعدام است! رژیم اسلامی ایران با سابقه 33 سال کشتارهای تکان دهنده سمبل مجازات اعدام در جهان است. خرداد 60 و شهریور 67 نمونه های برجسته جنایت و آدمکشی اسلامی است. رژیم اسلامی عامل اعدام و سنگسار زنان و مردان، اعدام همجنسگرایان و کودکان، سرکوب هرگونه آزادی سیاسی، اجتماعات، تشکل، اعتصاب و تظاهرات، اعمال آپارتاید جنسی در کل جامعه، اعمال پوشش اسلامی، تحمیل فقر و گرسنگی بر میلیونها انسان است.

زنان و مردان آزادیخواه!

مبارزه برای لغو مجازات اعدام در ایران نمی تواند بدون سازمان دادن مبارزه همه جانبه علیه رژیم اسلامی صد هزار اعدام باشد. باید در این روز جمهوری اسلامی را در پیشگاه افکار عمومی مردم جهان به محاکمه کشید. باید به این رفتار وحشیانه و قرون وسطایی رژیم اسلامی پایان داد. مردم ایران منتظر فرصت هستند که این اوپاش جنایتکار را از اریکه قدرت پایین کشیده و در دادگاههای مردمی بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه کنند.

سازمان آزادی زن

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!



برای الغای "مجازات" اعدام تلاش کنیم!

به مناسبت 10 اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام

سیاوش دانشپور

حقوقی، قضائی و فرهنگی آن که برخشونت استوار است مخالیم. ما برای برپائی جامعه ای تلاش میکنیم که حیات انسانی حرمت داشته باشد و فلسفه قانون در جامعه و در قلمرو مجازات، نه نفی حیات انسانها بلکه بازسازی و برگشت به جامعه باشد.

و بالاخره باید به نیروهای مدافع اعدام و قاتلین حرفه ای هم نگاهی انداخت تا رابطه اعدام و قدرت و تقابل با جامعه و مردم روشنتر شود؛ جمهوری اسلامی، دولت آمریکا، دولت چین، شیلی دوره پینوشه، السالوادور، آرژانتین، بیشتر دولتهای نظامی آمریکای لاتین، دولتهای اسلامی، بلوک سرمایه داری دولتی سابق، دولتهای مرتجع و سرکوبگر در آفریقا که سابقه کشتارهای جمعی در پرونده شان ثبت است، یا گروههای نظامی در اپوزیسیون مانند جریانات متفرقه اسلامی که امروز در مقابل چشم جهان سرمیبرند، گروههای نژادپرست و قومپرست، جریانات آوانتورپرست و تروریست که با بمب گذاری و ترور در اسپانیا و ایرلند "عدالت" را در مورد مخالفین و مردم عادی به اجرا در میآورند! دنیای انسانی اگر واقعا میخواهد و قرار است برای آزادی عمل و آسایش و رفاه و حرمت بشریت باشد، باید این سنت قصاص متقابل را بدون استثنا پشت سر بگذارد. جامعه انسانی نیاز به اعدام ندارد. نه خوشبختی، نه آزادی و رفاه، نه حق به معنی فردی و اجتماعی با قتل مجرمین و مخالفین متحقق نمیشود. بشریت باید این دوره توحش را پشت سر بگذارد. در قرون وسطی با گیوتین میکشند امروز به اتاق گاز یا تزریق مواد سمی میفرستند، به دار میکشند، یا مانند اسلامها در عراق و افغانستان و شمال آفریقا مثله میکنند، یا مانند گروههای قوم پرست

صفحه ۶

مذهبی و عشیره ای و قومی. توجیه کلاسیک اعدام، یعنی روشی "برای مقابله با جرم و جنایت"، پوچ است. توجیه قاتلین است. واقعیات و آمار جرم و جنایت نشان میدهد که این روش و توجیه سیاسی آن شکست خورده است. آمریکا نمونه گویائی است. حتی اگر این روش از نظر آماری مطلوبیت خود را هم نشان میداد، باز هم نباید تردیدی در مخالفت با نفس مجازات اعدام بخود راه میدادیم. نفس وجود اعدام و توجیه قانونی و دولتی آن توسط طبقات حاکم و نفس غیر حساس بودن به کشتن عامدانه مردم از جانب هر نیروی غیر دولتی، به معنی تائید و پذیرش آگاهانه چرخه خشونت و آدمکشی در مغز استخوان مناسبات اجتماعی است. باید با اعدام علی الاصول مخالف بود، مهم نیست مجری آن دولت است یا نیروئی غیر دولتی.

ما بعنوان کمونیست؛ هیچ کس، هیچ دولت، هیچ نیروی سیاسی، هیچ دستگاه مذهبی، هیچ نهاد و مرجعی را مجاز نمیدانیم که از گرفتن جان انسانها بعنوان یک "حق" استفاده کند یا حتی بطور ضمنی و تبصره ای از این "حق" برخوردار باشد. کمونیسم کارگری جنبشی برای سلب و الغای چنین حقوق نامشروعی است که بورژوازی و جنبشهای مختلف آن تاریخا برای خود قائل بوده اند. اگر باید بدوا از حقی دفاع کرد حق حیات همگانی است. اعدام علیه حق حیات انسانها و ادامه منطقی سلب حق و آزادی در قلمروهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است. اعدام پاسخ جامعه بورژوائی به معضلات و مسائلی است که خود خالق آن است. اعدام مرحله ای از یک چرخه اعمال خشونت دولتی و غیر دولتی علیه شهروندان است. ما با نفس این نظام و مبانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی،

اعدام تاریخا ابزار قدرتها، چه دولتی و چه غیر دولتی، برای ارباب و تسلیم مردم بوده است. اعدام یعنی طراحی و سازماندهی گرفتن جان فرد یا افرادی با قصد و نقشه آگاهانه و خونسردانه قبلی. گویا ترین نام برای اعدام قتل عمد است. اینجا دیگر تفاوت ماهوی بین قتل عمد دولتی و غیر دولتی وجود ندارد. دولتها زیر پوشش کاذب "نمایندگی جامعه" و "اجرای عدالت و قانون" و "شرایط جنگی" و "دفاع از میهن" میکشند و نیروهای بخش خصوصی زیر پوشش "نوامیس ملی و مذهبی" و تعصبات واپسگرای ایدئولوژیک و حتی "انقلابی"! چه دولتی که از سر منافع ارتجاعی اش مخالفین را اعدام میکند، چه گروه اسلامی و تروریستی که برای انتقام اسیرش را اعدام میکند، و چه نیروئی که به اصطلاح "اعدام انقلابی" میکند، جملگی یک اقدام واحد را عملی میکنند؛ قتل عمد و نابودی کسی که در دستگاه "عدالت" دلخواهی اینان "مجازات اعدام" دریافت کرده است!

برای الغای اعدام باید بدوا این عدالت دلخواهی و من درآوردی از هرسو نقد و کوبیده شود. باید این فرض را به کرسی نشاند که هیچکس، هیچ احدی، به هر دلیلی حق کشتن و گرفتن جان کسی را در مراسم شنیعی که نامش اعدام است ندارد. اعدام ممنوع است! اعدام تحت هیچ شرایطی مجاز و قابل توجیه نیست!

در دفاع از حق حیات

وقتی به صحنه دنیا و میزان قتل و اعدام نگاه میکنید، میبینید برخلاف توجیهات رسمی که اعدام را "روشی برای مصونیت جامعه از قاتلین و جنایتکاران" میداند، عمده اعدامها و گرفتن آگاهانه و عامدانه جان شهروندان به دلایل دیگری صورت میگردد. به "جرم" آزاد بودن، تن ندادن به فعال مایشائی شوونیسم مردسالار، گردن نگذاشتن به اتوریته دولت و قدرت فائقه و یا مراجع

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

ممکن است از طرفین کشته شود. اما وقتی کسی در جنگ اسیر میشود، کشتن اسیر یعنی اعدام. اگر کسی و نیرویی نمیتواند اسیر طرف مقابل را نگهدارد نباید اسیر کند و اگر اسیر میکند حق شکنجه و آزار جسمی و روانی و اعدام را ندارد. هیچ تبصره ای مانند "دوره جنگ و شرایط متفاوت" قابل قبول نیست. با اسیر در بدترین حالت باید طبق قوانین بین المللی اسرای جنگی رفتار کرد. امروز مردم هنوز در حال جنگ با جمهوری اسلامی اند. روشن است این جدال به احتمال زیاد اشکال متنوعی بخود میپذیرد. اما این یک جنگ است و فرق هست با وقتی که یک نیروی درگیر کسی را اسیر میکند. ما مجاز نیستیم وقتی از طرف مقابل کسی را به اسارت درمیآوریم با او هر رفتاری از جمله تعرض فیزیکی کنیم و یا به فوران احساسات در مقابل اصولمان مجال بروز دهیم. ما با اسرا طبق قوانین بین المللی اسرای جنگی رفتار خواهیم کرد. حکومت کارگری مخالف مجازات اعدام و هر نوع مجازاتی است که به جسم افراد تعرض میکند. ما همراه با نفی اعدام و حبس ابد، هر نوع شکنجه و آزار بدنی را ممنوع اعلام میکنیم. ما کشتن اسرای جنگی را غیر قابل توجیه میدانیم و چنین عملی را اجرای "مجازات" اعدام میدانیم.

برخورد با سران رژیم اسلامی

چندی سال پیش در بیانیه یک جریان مائویستی، که مدعی تشکیل "گروههای ضربت" در داخل کشور بود، نوشته بود که مردم ایران چوبه های دار را آماده کرده اند! تمام آخوندها را با عمامه هایشان اعدام انقلابی میکنند! منشا این نفرت کجاست؟ تفاوت اینها با خود رژیم اسلامی چیست؟ میدانم یکی مائویست است و یکی مسلمان، اما روش برخوردشان یکی است. "عدالت" در قاموس شان یکی است و به اعدام ختم میشود. باید خوشحال باشیم که چنین افکار مریضی جایی در یک قصبچه هم ندارد تا چه رسد به جامعه. تردیدی نیست که سران جمهوری اسلامی میلیونها شاکي خصوصی دارند. کسانی که عزیزانشان توسط اینها اعدام شدند و حتی آدرس قبرشان را هم نمیدانند کم نیستند. با این موضوع چگونه باید

صفحه ۷

برای الغای "مجازات" اعدام تلاش کنیم ...

میدهد، و بجای روحیه حیوان گونه رقابت؛ عنصر همبستگی و تعاون و نوعدوستی را مبنای جامعه و به فرهنگ اجتماعی تبدیل کند، آنوقت جرائم و خشونت و قتل به حداقل ممکن میرسد. چون زمینه مادی و اجتماعی آن از بین رفته است. در هر جامعه ای و در هر سیستم علمی استثنا وجود دارد و ضرورتا این استثناها قابل تعمیم به روندها و اصول بنیادی نیستند. اگر در جمهوری سوسیالیستی فردا عده ای از اینگونه افراد داشتیم تلاش میکنیم با استفاده از آخرین دستاوردها و متدهای علمی راه بازگشت به زندگی متعارف و مفید بودن بعنوان یک عنصر اجتماعی را باز نگهداریم. تجارب دنیای امروز، حتی در چهارچوب سرمایه داری که اساس تبعیض و نابرابری و کار مزدی و زمینه جنایت و قساوت را دست نمیزند، نشان میدهد که اعدام پاسخ هیچ مشکلی نیست. فقط روحیه انتقام و سنت "خون در مقابل خون" قرون وسطی را زنده نگه میدارد و بازتولید میکند. "مجازات" اعدام باید فوراً و بدون هیچ تبصره ای لغو گردد!

حبس ابد، برخورد با اسرا

الغای "مجازات" اعدام برای یک جامعه آزاد کافی نیست. همراه با الغای "مجازات" اعدام، حبس ابد به معنی رایج آن در کشورهایی مانند ایران باید لغو شود. نگهداشتن یک فرد یا تعدادی مجرم و جنایتکار برای تمام عمر پشت میله های زندان، مدالی به سینه عدالت در یک جامعه آزاد نمیزند. حبس ابد تا اعدام فاصله ای ندارد. حکومت کارگری باید حبس ابد را هم لغو کند.

در مورد برخورد با اسرا جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی باید پرنسیپ هایش روشن و اعلام شده باشد. جنگ قانون خودش را دارد. در یک جنگ

و "نمایندگان" خود گمارده مردم اعدام صحرائی میکنند!

قلمرو خاکستری، اعدام جنایتکاران

یک توجیه عمومی اعدام، حتی در میان کسانی که مخالف اعدامهای سیاسی هستند، اینست که اعدام جنایتکاران که مرتکب قتلهای متعدد و شنیع شدند فرق دارد، این قابل دفاع است و جامعه را مصون میکند! در پاسخ به این نوع استدلال باید تصریح کرد که این حرفه بدوا و در مقیاس گسترده دولتی است نه غیر دولتی. عمده کسانی که در پرونده شان لیست طولی از آدمکشی ثبت است، در دولتها و پارلمانها و وزارتخانه ها و لویه جرگه ها و شورای نگهبانها نشسته اند. در بیرون دولتها عده ای از هم خانواده های اینها، جریاناتی که تفاوتی آرمانی و برنامه ای و سیاسی با این دولتها ندارند، در اپوزیسیون همین حرفه را دارند که از اینطریق سهم خود را از قدرت سیاسی و امتیازات اقتصادی و استنثار کارگران طلب میکنند. کمی آنطرف تر گروههای مخفی و افرادی را داریم که با همین نام یعنی "قاتل حرفه ای" استخدام میشوند و یا سفارشی را توسط گروه ثالثی اجرا میکنند. اینها ادامه سازمانهای رسمی دولتی و شبکه قدرت و مافیاهای اقتصادی و جاسوسی اند. موردی که میماند افرادی هستند که قتل سریال انجام میدهند. در دنیای واقعی و در قیاس با آمار قتلهای دولتی و غیر دولتی آگاهانه، این افراد در ته جدول آدمکشی قرار میگیرند. علی القاعده اینها نباید از تعادل و سلامت روانی برخوردار باشند. برای مقابله با این معضل، کار اول اینست که امنیت جامعه را در مقابل اینگونه تهدیدات بالا برد. یعنی ریشه های اجتماعی و اقتصادی جرم و جنایت را خشکاند. دوم، باید این افراد را بعنوان بیمار مداوا کرد و شانس بازگشت به یک زندگی نرمال را از آنها نگرفت. با اعدام هیچ مشکل جامعه حل نمیشود بلکه تشدید میگردد. ما اگر جامعه ای بسازیم که نیازهای مادی و معنوی شهروندان را پاسخ

تبعیض بر اساس جنسیت یک منشا سود سرمایه است!

بسوی آینده آزاد!

ما مخالفین "مجازات" اعدام تاریخ نوینی را آغاز خواهیم ساخت! ما چوبه های دار و تکنولوژی "مدرن" قتل و شکنجه را بعنوان ابزار توحش بورژوازی علیه مردم به موزه منتقل میکنیم! عکسهای جانپان و سابقه جنایت شان را در آلبومها گرد می آوریم و در تاریخ ثبت میکنیم که زمانی این دولتها و این سیاستمداران با این دستگاهها آدم میکشند! باشکوه ترین همبستگی معنوی جامعه را با قربانیان و بازماندگان شان بنمایش خواهیم گذاشت! اعلام میکنیم که جامعه بشری و آزاد ما عمیقا درک میکند که درد از دست دادن برادر، خواهر، فرزند، همسر، معشوقه، پدر، مادر، یا هر عزیز دیگری تا چه حد سخت و فراموش نشدنی است! اما ما میخواهیم این پرونده و این تاریخ خونین را ببندیم! ما میخواهیم از این دوران وحشت عبور کنیم! باید از این دور تسلسل باطل جنایت و کشتار و انتقام و خونخواهی عبور کرد! باید آینده را ساخت! آینده ای خوشبخت و بدور از معیارهای "عدالتخواهی" قرون وسطی و بورژوازی! اعلام میکنیم جامعه به قربانیان و بازماندگان شان با دیده احترام و همبستگی نگاه میکند و هدفش را نه "خونخواهی و قصاص" بلکه تلاش برای ممانعت از تکرار چنین فجایعی در آینده از طرق نابود ساختن و ریشه کن کردن زمینه های جرم و جنایت قرار داده است! اعلام میکنیم مردم ایران با پرچم الغای مجازات اعدام بعد از پیروزی بر رژیم جنایتکار اسلامی قلب و دوستی میلیاردها مردم شریف جهان را با خود خواهند داشت! ما با اعلام لغو مجازات اعدام نقطه پایانی به چرخه خشونت و تنفر میگذاریم! اعلام میکنیم همراه با سقوط دولت بورژواها و درهم کوبیده شده ماشین سرکوب شان، همراه با خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه حاکم، قوانین کهنه منتج از فرهنگ و باور آنها از جمله اعدام منسوخ میشود!

در مناسبت 10 اکتبر

جنبش آزادی و برابری جنبشی براس ساختن آینده، جنبشی برای بهبود هر روزه زندگی توده های میلیونی کارگران و مردم، و جنبشی برای تغییر رادیکال و ریشه ای جهان است.

صفحه ۸

برای الغای**"مجازات" اعدام تلاش کنیم ...**

برخورد کرد؟ پاسخ این مردم زخم دیده را چگونه باید داد؟

من یکی از این مردم هستم. من هم شاکی خصوصی سران رژیم و افراد معینی هستم. من هم بهترین دوستان و همزمان و عزیزانم را جمهوری اسلامی در مسجد و حسینیه زندان و میدان تیر اعدام کرده است. بحث الغای "مجازات" اعدام نه بحث بخشش سران رژیم یا هر جنایتکاری است، نه بحث سازش با آنها، و نه بحث پایان مقابله و جنگ با سرمایه و حکومت مرتجع اسلامی. خیر، این رژیم باید توسط نیروی مردم و انقلاب کارگری سرنگون شود. این رژیم تلاش میکند سرپا بماند و برای اینکار تا روز آخر دست به جنایت میزند. تردیدی نیست که باید با قدرت در جنگ با جمهوری اسلامی پیروز شد. نه فقط باید رژیم اسلامی را بعنوان یک رژیم سرکوبگر و بانی قتل عام و کشتار جمعی شهروندان و زندانیان سیاسی سرنگون کرد، بلکه باید سران حکومت و دست اندرکاران جنایت را در یک دادگاه علنی در مقابل چشم دنیا محاکمه کرد. اینان دادگاهی و مجازات خواهند شد نه بخاطر عقایدشان بلکه دقیقا بخاطر قتل مردم بیگناه، بخاطر جنایت جنگی و جنایت علیه مردم سیویل. در این دادگاهها که باید گوشه ای از عدالت فردای سوسیالیستی و کارگری را بنمایش بگذارد، شاکیان فرصت کافی برای اقامه دعوی خواهند داشت و متقابلا باید متهمین پرده از جنایات شان بردارند. جامعه باید حقیقت را بداند تا بتواند از آن عبور کند. هدف نه محاکمه و به روی دار فرستادن قاتلین، بلکه عبور جامعه از یک دوران وحشت و بستن آن و باز کردن فصل جدیدی از مناسبات اجتماعی و حقوقی و سیاسی در جامعه است. حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک دولت آزاد و پیشرو، مبنای فلسفه قانون و امر قضا را به بازماندگان قربانیان و احساسات احتمالی انتقامجویانه واگذار نمیکند. چون در چنین صورتی، یعنی قضاوت و اجرای

"عدالت" براساس عواطف و زخمهای قربانیان، راه دیگری جز انتقام و تداوم دور جدیدی از آدمکشی نضج نمیگیرد. اتفاقا در میان همین کسانی که عزیزانشان را جمهوری اسلامی اعدام کرده است پرچم لغو "مجازات" اعدام برافراشته تر است. زندانیان سیاسی سابق، خانواده های اعدامی ها، اپوزیسیون پیشرو و کمونیست کارگری، و هر کسی که با زندان سیاسی و شکنجه و اعدام فی النفسه مخالف است، خواهان الغای "مجازات" اعدام هستند.

عدالت باید اجرا شود و اجرای عدالت تنها زمانی ممکن است که فردا کسی به هیچ دلیلی اعدام نشود. عدالت، اعدام زندگان بخاطر عزیزان از دست رفته نیست. اسم این انتقام است. عدالت در اینمورد مشخص یعنی برسویت شناسی حق مجرمین و جانبداری مادی و معنوی جامعه از بازماندگان قربانیان و کشف و ثبت حقیقت است. قاتلین قطعاً باید مجازات شوند اما این مجازات اعدام نیست. اگر اعدام و قتل عزیزان ما بد است، تراژدی است، قابل فراموشی نیست، اعدام قاتل نیز توجیه اخلاقی و سیاسی و قضائی محکمه پسند و آزادیخواهانه ای ندارد. فکر میکنم روزی که ما در گوشه گوشه ایران به یاد عزیزانمان بیانیه های پرشور در نفی اعدام و اختناق و زندان میخوانیم، روزی که در مراسمهای پرشکوه گرامیداشت زندانیان و قربانیان رژیم اسلامی اعلام میکنیم؛ حکومت کارگری مجازات اعدام را لغو میکند و از این تاریخ هیچ کسی بخاطر ابراز عقایدش مورد تهدید قرار نمیگیرد و جامعه و قانون علیه تهدید فیزیکی شهروندان مسئول است، آنروز بهترین گرامیداشت را برای عزیزانمان که هدفشان آزادی و برابری بود بجا آورده ایم.

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸,۳۰ بوقت تهران از شبکه
هات برد

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

کانال: KMTV

تلویزیون مدوسا

روزهای جمعه ها از ساعت 2 تا 3 بعدازظهر به
وقت اروپای مرکزی

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

کانال: KMTV

برای الغای

"مجازات" اعدام تلاش کنیم ...

ما باید آینده را بنا کنیم و در این مسیر و در چهارچوب نظام موجود بیشترین پیشرویها را کسب کنیم. 10 اکتبر روزی است که علیه اعدام و این سنت شنیع در سطح جهان بشریت فریاد میزند. به این کمپین بپیوندید و هر جا که هستید فریاد "اعدام نه" را رساتر کنید! در اینروز همراه با مخالفت اصولی و انسانی با "مجازات" اعدام و خواست لغو آن و تعهد دولتها به آن، جمهوری اسلامی را بعنوان رژیم صد هزار اعدام به دنیا معرفی کنید! در اینروز خواهان لغو فوری اعدامها در ایران، لغو فوری احکام اعدام صادر شده، و آزادی بیقید و شرط زندانیان سیاسی شوید!

* این یادداشت در 10 سپتامبر 2007 نوشته شده و بمناسبت 10 اکتبر روز جهانی مبارزه با اعدام مجددا منتشر میشود.

زن و سرمایه داری

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است.

اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.



پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!
با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریع ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آبارتاید جنسی لغو باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

به سازمان آزادی زن بپیوندید!